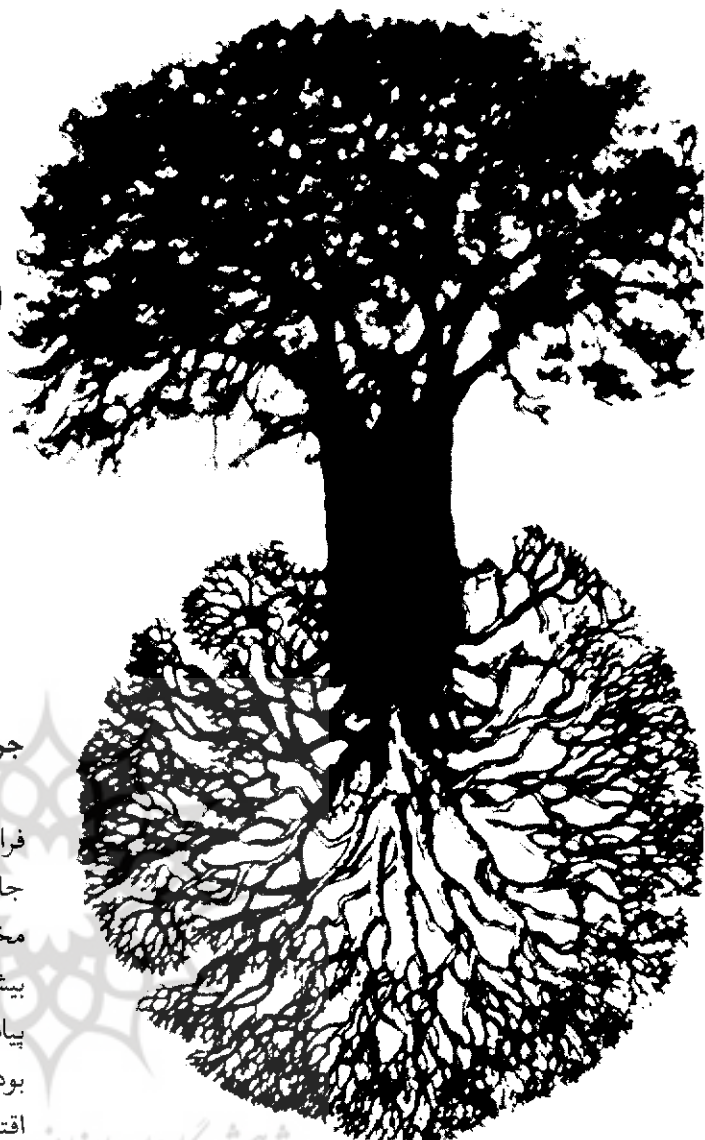


جهانی شدن و نظام‌های آموزش و پرورش



فربیا مؤیدنیا

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی - خوی

جریان جهانی شدن^۱ و تعلیم و تربیت

در تعریف پدیده جهانی شدن آمده است: جهانی شدن فرایندی است که منجر به وابستگی و برهم کنش متقابل و دو جانبه میان واحدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملل مختلف در جهان می‌گردد. اما تعریفی از پدیده جهانی شدن که بیش‌تر مورد پذیرش قرار گرفته است آن است که این فرایند از پیامدهای نظام سرمایه‌داری نوین^۲ و عصر پست مدرنیسم^۳ بوده، مهم‌ترین ویژگی آن این است که تحت تأثیرگرایش‌های اقتصاد سرمایه‌داری به توسعه یافتن و جهانی شدن، ایجاد گردیده است.

با توجه به تعریف اخیر، آن چه اغلب در مورد پدیده جهانی شدن مورد توجه قرار می‌گیرد، آثار و تبعات سیاسی و به‌ویژه اقتصادی و تجاری آن است، تا آن جا که ممکن است به نظر برسد مسائل فرهنگی و آموزش و پرورش به عنوان موضوعات ارزشی و معنوی کم‌تر تحت تأثیر این فرایند قرار دارند؛ در صورتی که اگر آموزش به صورت نوعی تجارت و دادوستد اطلاعات در نظر گرفته شود، آن‌گاه، نظام آموزشی می‌تواند به عنوان بخشی مهم از فرایند جهانی شدن تلقی گردد و از پیامدهای آن این خواهد بود که دولت‌ها و حکومت‌ها در بازارهای جهانی برای به خدمت گرفتن آموزش، به عنوان یک ابزار سیاسی قدرتمند در جهت تولید و پرورش سرمایه‌های انسانی، با یکدیگر رقابت کنند.

مقدمه

امروزه ورود انسان به هزاره سوم میلادی، پدید آبی دانش تجربی نو و پیشرفت‌های فناوری، این امکان را فراهم ساخته است که بازنمایی انسان از کره زمین به دهکده جهانی و بزرگراه‌های اطلاعاتی تغییر یابد. در چنین موقعیتی، جهانی شدن به معنی ره سپردن تمام جوامع به سوی جهانی وحدت یافته است که در آن همه امور در سطح جهانی مطرح و نگریسته می‌شود. بدیهی است که نظام‌های آموزشی نیز همچون نظام‌های دیگر، خواه ناخواه تا حدودی متأثر از این جریان و فرایند خواهند شد. در همین مسیر، در مقاله حاضر سعی بر آن است که به پیامدهای مثبت و منفی این فرایند، یا به عبارتی به بیان فرصت‌ها و تهدیدهایی که پدیده جهانی شدن برای نظام‌های آموزش و پرورش کشورها به همراه دارد، پرداخته شود.

تهدیدهای ناشی از پدیده جهانی شدن برای نظام‌های آموزشی در جوامع انسانی

امکان و احتمال از بین رفتن و کم رنگ شدن تدریجی فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای در بسیاری از جوامع انسانی؛ باید توجه داشت که نگاه ما نسبت به موضوع آموزش و پرورش و مسائل فرهنگی باید تا حدی متفاوت از مسائل اقتصادی و تجاری باشد و آنچه در طی فرایند جهانی شدن در صنعت روی می‌دهد، اصولاً نباید در مورد فرهنگ‌ها هم به صورت «تولید انبوه فرهنگی و موتاژ فرهنگ‌ها» (که سرانجام منجر به هضم و اضمحلال بسیاری از آن‌ها در یک فرهنگ غالب می‌گردد) روی دهد، چراکه فرهنگ هر قومیت و ملتی سرمایه و میراث جمعی آن است و بنابراین نباید به آسانی مورد بی‌توجهی قرار بگیرد و نابود گردد. (در همین زمینه در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارند که حاکی است اراده و حکمت خداوندی بر آن است که همواره اقوام و ملل مختلف وجود داشته باشند و نه یک قوم و ملت واحد.)^۴

از آن جا که اکثر رسانه‌ها و کانال‌های ارتباطی علمی و فناورانه بین‌المللی به چند زبان خاص، به ویژه زبان انگلیسی‌اند، این احتمال به وجود می‌آید که زبان‌های دیگر به مرور اهمیت و کارایی خود را از دست بدهند و بالاخره این‌گونه چالش‌ها و تهدیدهای مربوط به زبان و فرهنگ می‌تواند به حوزه باورها، ارزش‌ها و اعتقادات دینی نیز تسری یابد.

ایجاد پدیده «بی‌سوادی فرهنگی»^۵ در نیروهای متخصص و تحصیل کرده؛ از آن جا که در فرایند جهانی شدن به منظور پرورش و تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بازار کار و متناسب با نیازهای اقتصاد سرمایه‌داری در جامعه جهانی، بسیاری از امور آموزش و پرورش توسط بخش خصوصی و با تأکید بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای صورت می‌پذیرد، به آموزش مسائل عمومی جامعه و امور فرهنگی کم‌تر پرداخته می‌شود. از پیامدهای این امر آن است که دانش‌آموختگان و دانش‌آموزان به حدی در رشته تخصصی و حرفه خود ریز و دقیق می‌شوند که نسبت به مسائل فرهنگی جامعه خود بی‌اطلاع و بیگانه می‌گردند و بدیهی است که این امر آسیب‌پذیری قشر مذکور را در برابر هجوم فرهنگ‌های بیگانه افزایش می‌دهد.

ناکافی بودن نیروی انسانی متخصص و متعهد در نظام‌های آموزش و پرورش کشورها و ملت‌های مختلف برای

تدریس و آموزش در کلاس‌های چند فرهنگی؛ در فرایند جهانی شدن، به علت افزایش و توسعه پدیده مهاجرت و آموزش‌های مجازی، با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات، کلاس‌ها و آموزش‌های چند فرهنگی رواج بیش‌تری می‌یابند. تدریس و آموزش در چنین کلاس‌هایی نیازمند وجود معلمان و مربیان توانایی است که ضمن التزام و پای‌بندی به موارد ارزشمند فرهنگ ملی کشور خود، با فرهنگ‌ها و زبان دیگر ملت‌ها و کشورها نیز آشنایی داشته باشند. چنین مربیان و معلمان قادر به ایجاد و پرورش مهارت و توانایی نقد و ارزشیابی عناصر فرهنگ‌های مختلف در دانش‌آموزان خواهند بود.

نقاط قوت یا فرصت‌های ناشی از پدیده جهانی شدن برای نظام‌های آموزشی در جوامع انسانی

از بین رفتن یا کم شدن محدودیت‌های زمانی و مکانی در امر آموزش، امکان دسترسی آسان و همگانی به آموزش از طریق تأسیس و توسعه مدارس و دانشگاه‌های مجازی، کنسرسیوم‌های آموزشی چند ملیتی و...، تأکید بیش‌تر بر «یادگیری مداوم» (یادگیری و آموزش در تمام طول مدت عمر) و استفاده بیش‌تر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در نظام‌های آموزشی، در جهت رشد و توسعه انسانی.^۶



یکی از مسائل‌های مهم فنی در آموزش و پرورش، همواره بوده و خواهد بود، فرایند جهانی شدن است. این است که توانایی و قدرتهای فنی و فکری هر فرد، تحلیل‌گزینه‌های مختلف و توانایی انتخاب اسلحه را در اسلحه اندک‌بند یادداشت آورد.



● کاهش نقش و تصدی گری دولت‌ها و حکومت‌ها در امور آموزش و پرورش و فعالیت بیش‌تر بخش خصوصی در این زمینه که منجر به کاهش هزینه‌های دولتی در این بخش و ایجاد حالت فعال‌تر و انعطاف پذیرتر در نظام‌های آموزشی می‌گردد.

● در فرایند جهانی شدن، گرایش‌های دنیای اقتصاد و تجارت بر آن است که آموزش و پرورش و فعالیت‌های آن به گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا گردد که منجر به تولید کارگران و کارمندانی با دانش، مهارت و توانایی‌های متناسب با نیازمندی‌های دنیای کار، تجارت و اقتصاد شود و این امر با واگذاری مدیریت مدارس و امور آموزشی به بخش خصوصی ممکن می‌شود. در نتیجه به دلیل تأکید بیش‌تری که در آموزش‌های بخش خصوصی و مدارس غیردولتی بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وجود دارد، امکان پاسخ‌گویی سریع‌تر و با کیفیت بهتر به نیازهای بازار کار فراهم می‌گردد.

● از آن جا که در فرایند جهانی شدن، آموزش‌ها اغلب به دلیل جهت‌گیری نظام تعلیم و تربیت به سمت پرورش و تربیت شهروند جهانی، تا حدود زیادی شکل غیربومی و جهانی می‌یابد، زمینه‌آشنایی و شناخت بیش‌تر دانش‌آموزان با زبان، فرهنگ و دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی ملت‌ها و اقوام دیگر فراهم می‌شود، به طوری که در کنار توسعه و ارتقای مهارت‌های کار کردن با اطلاعات و تکنولوژی، مهارت‌های

کار کردن در گروه و همکاری با دیگران را نیز کسب می‌کنند.

● و بالاخره در فرایند جهانی شدن، تفاهمات بین‌المللی و یادگیری برای با هم زیستن اهمیت و ضرورت بیش‌تری می‌یابد و یادگیری برای با هم زیستن نیز پشتوانه‌ای مشترک برای حفظ و انتقال هنجارهای ارزشمند (به یکدیگر و به نسل‌های آینده) بوده، افزایش ظرفیت تحمل تفاوت‌ها و تعارض‌های موجود در بین جوامع انسانی را، از طریق گفت‌وگو و احترام متقابل فراهم می‌آورد.

حال پس از برشمردن تعدادی از فرصت‌ها و تهدیدهای بالقوه‌ای که پدیده جهانی شدن می‌تواند با خود به همراه داشته باشد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در قرن بیست و یکم که سخن از نظم نوین جهانی و جهانی شدن می‌شود، می‌توان امیدوار بود که پیشرفت‌های چشمگیر فناوری اطلاعات و ارتباطات واقعاً در خدمت آموزش و اشاعه علم و فرهنگ قرار گیرد و گفت‌وگوی میان تمدن‌ها، همراه با تعاون خلاق، جایگزین رویارویی و ستیز میان فرهنگ‌ها گردد؟

به طور کلی دیدگاه‌های مختلف در مورد پدیده جهانی شدن را می‌توان در دو دیدگاه زیر خلاصه کرد: عده‌ای جهانی شدن را امری جبری دانسته، اظهار می‌دارند که این پدیده به اقتضای تحولات اقتصادی، سیاسی، علمی، و گسترش



ارتباطات در عصر حاضر رخ نموده است. از آن جاکه بر پایهٔ چنین دیدگاه جبرگرایانه‌ای جهان سرانجام دارای فرهنگ یکسانی خواهد شد، باید پذیرفت که فرهنگی خاص سلطهٔ خود را بر اخلاق، هنر، اقتصاد، سیاست و نیز رفتارهای فردی و جمعی انسان‌ها اعمال خواهد کرد و بنابراین تمامی جوامع انسانی حتی به بهای از دست دادن سرمایه‌های ارزشمند فرهنگی خود ناچار به هماهنگی با جریان جهانی شدن‌اند. در مقابل عده‌ای دیگر با نفی این دیدگاه سلطه‌جویانه بر این باورند که جهانی شدن به معنی سیطرهٔ یک فرهنگ خاص بر جهان نیست، بلکه از آن جاکه انسان‌ها همگی اعضای جامعهٔ جهانی‌اند، باید با هم به مسائلی بیندیشند که جامعهٔ جهانی با آن‌ها دست به گریبان است و برای رفع تنگناها و دشواری‌هایی

مقولهٔ توسعه یکی از اولویت‌های حقوق ملت‌ها و افراد است. بنابراین باید از این موقعیت و فرصت بین‌المللی برای برقراری ارتباط میان تلاش‌های فردی و جمعی درون کشورها و در سطح بین‌المللی استفاده کرد و یادآور شد که توسعهٔ واقعی به دست نمی‌آید مگر این که به پندارهٔ بهزیستی مادی، اخلاقی و معنوی انسان به‌طور هم‌زمان و به عنوان یک غایت پرداخته شود.» (مشایخ، به نقل از پلت، ۱۹۷۸، صص ۳۱ و ۳۰)

به نظر می‌رسد که از میان دو دیدگاه کلی فوق دربارهٔ جهانی شدن، دیدگاه دوم به دلیل حالت غیر انفعالی و توانایی و حق انتخابی که در فرایند جهانی شدن برای جوامع انسانی قائل است و به ویژه به سبب نیل به هدف ارزشمند تشریک مساعی ملت‌ها و اقوام مختلف در جهت توسعهٔ انسانی در جهان و حل مسائل



شده نگاه خوشبینانه نسبت به مسئلهٔ جهانی شدن نباید موجب نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت‌شمی گردنی تهدیدهایی گردد که به‌طور بالقوه در مورد این پدیده و وجود دارند. در صورت غفلت جوامع انسانی از شناختن تهدیدها و فرصت‌های این مسئله و فراهم‌آوردن تدابیر و اقداماتی به‌اندازهٔ لازم، از این فرصت برای تسبب بحران‌های جدی با بهره‌گیری از



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پتال جامع علوم انسانی

و مشکلات یکدیگر، قابل پذیرش‌تر است. تاریخ در حال نوشته شدن و آینده در حال ساخته شدن است، نباید به عنوان تماشاچی در صحنهٔ زندگی و تاریخ باقی ماند، می‌توان راه‌هایی انتخاب کرد و تدابیری اتخاذ کرد که احتمال دست یافتن به آینده‌ای بهتر، بیش‌تر شود. (خلیلی شورینی، ۱۳۸۱، صص ۱۳۰)

البته بدیهی است که این دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به مسئلهٔ جهانی شدن نباید موجب نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت تلقی کردن تهدیدهایی گردد که به‌طور بالقوه در مورد این پدیده وجود دارند و می‌توانند در صورت غفلت جوامع انسانی از شناخت همهٔ جنبه‌های این مسئله و فراهم آوردن تمهیداتی برای بهره‌گیری بهینه از این موقعیت و فرصت، مخاطراتی جدی به وجود آورند.

که جامعهٔ بشری با آن روبه‌روست، همکاری کنند. اینان ضمن قبول کثرت‌گرایی فرهنگی به عنوان یک واقعیت، گفت و گوی میان تمدن‌ها، تفاهم فرهنگی و دست‌یابی به ارزش‌های مشترک، احترام متقابل، مشارکت بین‌المللی و نیز شکیبایی را توصیه می‌کنند. به نظر این گروه فرهنگ جهانی نمی‌تواند فرهنگ‌های دیگر را در خود حل و هضم کند و اگر فرهنگی در حال افول است، علت آن به ضعف درونی آن فرهنگ مربوط است و نه به ظهور یک فرهنگ جهانی. در همین زمینه مجمع عمومی سازمان ملل، در سال ۱۹۷۹، حق توسعه را برای همهٔ ملت‌ها به رسمیت شناخته و اعلام کرده است: «حق توسعه یکی از ارکان حقوق بشر به شمار می‌رود و برابری شانس در

رسالت نظام‌های آموزشی کشورها و اقوام مختلف جهان در مواجهه با پدیده جهانی شدن

به طور کلی وظایف نهاد آموزش و پرورش در مقابل فرهنگ جامعه در سه مورد زیر خلاصه می‌گردد:

۱- حفظ و انتقال فرهنگ

۲- ارزشیابی و تجزیه و تحلیل عناصر و اجزای فرهنگ

۳- ایجاد تغییرات لازم فرهنگی و توسعه میراث فرهنگی

و ارزشی جامعه.

در نهادهای آموزشی اکثر جوامع، انجام وظیفه اول کمابیش به خوبی صورت می‌پذیرد، اما به وظایف دوم و سوم آن چنان که شایسته است پرداخته نمی‌شود و اتفاقاً عملکرد صحیح و اصولی نهاد آموزش و پرورش در این موارد (موارد دوم و سوم)، به ویژه در عصر حاضر و در مواجهه با پدیده و روند جهانی شدن، اهمیت و ضرورت بیش‌تری می‌یابد، چرا که اصولاً از آموزش و پرورش انتظار می‌رود که اهرم تعادلی میان ثبات و تغییر در جامعه باشد؛ یعنی بتواند ضمن بازآفرینی فرهنگ، زمینه تغییرات تدریجی متناسب با شرایط اجتماعی و نیاز جامعه را ایجاد کند. (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۵۸).

اگر آموزش و پرورش ملتی به هر سه وظیفه خود در قبال فرهنگ و مجموعه ارزشی آن جامعه به خوبی عمل کند، در آن صورت می‌توان امیدوار بود که نه تنها تحت تأثیر ارتباط و مرادده با اقوام و ملل دیگر دچار خودباختگی و اضمحلال فرهنگی نگردد، بلکه از این مراددهات متقابل فرهنگی در جهت غنا و توسعه فرهنگی خود بهره‌مند گردد.

البته ناگفته پیداست که در جریان این فراگرد، احتمال رها کردن برخی عناصر و اجزای فرهنگی غیرسودمند یا احیاناً مضر خودی یا پذیرش بخش‌هایی از ارزش‌های فرهنگی بیگانه وجود دارد، اما آن چه اهمیت دارد این است که به اصطلاح، این گونه خانه تکانی‌های فرهنگی نیز، نه از سر اجبار و تحمیل، بلکه توأم با شناخت، مطالعه و نقد و بررسی و به صورت آگاهانه و به مصداق آیه قرآن که می‌فرماید: «فبشر عبادالذین یستمعون القول و یتبعون احسنه»^۷، انجام پذیرند.

باتومور^۸ نیز در همین ارتباط می‌نویسد: تنوع فراوان هنجارها و ارزش‌ها به نسل جدید امکان می‌دهد تا حدی بین راه‌های مختلف زندگی به انتخاب بپردازد و عناصر گوناگون فرهنگ را از نو در انگاره‌های جدید ترکیب نماید. (نقی پور ظهیر، ۱۳۸۱، ص ۹۰). بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد

که یکی از رسالت‌های مهم نهاد آموزش و پرورش، تحت شرایط و فرایند جهانی شدن، این است که توانایی و قدرت نقد و تجزیه و تحلیل گزینه‌های مختلف و توانایی انتخاب اصلح را در نسل آینده پدید آورد.

پی‌نوشتها:

- 1- GLOBALIZATION
- 2- LATE CAPITALISM
- 3- POST MODERNITY

۴- ولو شاء ربك تجعل الناس امه واحده و لا یزال مختلفین (سوره هود، آیه ۱۱۸)، (سوره نحل، آیه ۹۳ نیز درباره همین موضوع است)

- 5- CULTURAL ILLITRICY
- 6- HUMAN DEVELOPMENT

(توسعه انسانی فرایندی است که برکران بهزیستی انسان‌ها می‌افزاید و در نتیجه امکان برخورداری از گزینش‌های بهتر را فراهم می‌سازد.)

۷- «پس (ای رسول) بشارت ده به آن بندگانی که سخنان مختلف را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌کنند.» سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

فهرست منابع:

- قرآن مجید
- تقی پور ظهیر، علی (۱۳۸۱): برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، چاپ هجدهم، تهران، نشر آگاه.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۱): اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، یادواره کتاب.
- عالی، مرضیه (۱۳۸۳): مقاله تبیین و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن برای نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، اینترنت، وبلاگ مدیریت آینده، ۸۳/۳/۳۱.
- طوسی، محمد علی (۱۳۷۵): فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۴، میزگرد تغییر و نوآفرینی در آموزش و پرورش.
- مشایخ، فریده (۱۳۷۹): دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- BURBULES, NICHOLAS C. AND ALBERTO, CARLOS, ROUTLEDGE, (2000), GLOBALIZATION AND EDUCATION: CRITICAL PERSPECTIVES.
- COGBURN, DERRICK, GLOBALIZATION, KNOWLEDGE, EDUCATION AND TRAINING IN THE INFORMATION AGE.
- KUEHU, LARRY (1999), RESPONDING TO GLOBALIZATION OF EDUCATION IN THE AMERICA, STRATEGIES TO SUPPORT PUBLIC EDUCATION, OCTOBER, 1999.